

نگاه تاریخ‌نگاران صلیبی به شیعیان اسماعیلی و تأثیر آن بر نگرش خاورشناسی معاصر (بررسی موردی: برنارد لوئیس)

دکتر عبدالله ناصری طاهری*

چکیده

خاورشناسان غربی، شیعیان اسماعیلی مذهب به‌ویژه شاخه نزاری آن را از ره‌گذر جنگ صلیبی شناخته‌اند. در روزگار جنگ و حضور پیوسته صلیبی‌ها در دو قرن در صفحات شرقی مدیترانه و از پی برخورد با نزاریان شام، تصویری مبالغه‌آمیز و غیر واقعی پیدا کردند و آن را در متون تاریخی و سفرنامه‌ها ثبت نمودند و از این طریق به ادبیات شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربی‌ها منتقل شدند. البته مناسبات دوگانه نزاریان شام با صلیبی‌ها و حاکمان مسلمان این نگاه را قوت بخشید. برنارد لوئیس یکی از خاورشناسان معاصر که تحت تأثیر این روند، نگرش خود به اسلام و شیعه را شکل داد است که شاید بتوان گفت در این مورد، بیشترین سهم را در ادبیات خاورشناسی معاصر دارد.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (ع.ه).

تهاجم تاریخی مسیحیان غربی به حوزه شرقی دریای مدیترانه و جغرافیای آسیای صغیر تا شام و مصر در قرن یازده میلادی / پنجم قمری که در تاریخ اسلام و مسیحیت به جنگ یا حمله صلیبی معروف است،^۱ نقطه عطفی در نگرش مسیحیان به اسلام و جامعه اسلامی بود. این حادثه در حالی که برای مسلمانان خسارات زیادی داشت و به تعبیر برنارد لوئیس^۲ «عظیم‌ترین و ماندگارترین خسارت بر جهان اسلام بود»، برای اروپاییان دستاوردهای فراوانی برجای گذاشت که یکی از آنها تأسیس رسمی «مدرسه استشرق» بود. در این مدرسه دایره و دامنه آگاهی اروپاییان از اسلام و مسلمانان وسعت یافت. دوره جنگ‌های صلیبی دوره گسترش و افزایش داده‌ها در مورد مسلمانان بود، هرچند این آگاهی‌ها و ستاده‌ها بنیانی غیرعلمی داشت.

دوره جنگ‌های صلیبی، دوران شناخت مسیحیان صلیبی از شیعیان اسماعیلیه، اعم از فاطمیان مستعوی مصر و نزاریان شام بود. در همین دوران، اتهامات آنها به اسماعیلیان، چه در عرصه منازعات نظامی در صحنه نبرد و چه در حوزه عقیده‌شناسی بر اوراق تاریخ، نقش بست.

هم‌راهی و هم‌کاری فاطمیان مصر با مهاجمان صلیبی علیه دیگر دولت‌های مسلمان نخستین اتهام صلیبی‌ها به اسماعیلیان، است.

ریمون آگیل، از مردان کلیسا و گزارش‌گران جنگ اول صلیبی، در تاریخ خود به نام *Histori qui ceperunt the rusalem faran corum*^۳ اشاره می‌کند، هنگام محاصره انطاکیه توسط صلیبی‌ها، سفیران پادشاه مصر به نزد

۱. میشل بالارد (Michel Balard) پژوهش‌گر فرانسوی، معتقد است در دوره جنگ، رسماً واژه جنگ صلیبی در مغرب زمین به کار نمی‌رفت. بلکه سفر به قدس (iter hierosolymitanum)، سفر به سرزمین مقدس (iter in teram sanctam)، حمله (expeditio) و حج (peregrination) واژگان معهود بود و در قرن سیزدهم سفر به آن سوی دریاها به کار می‌رفت و از نیمه همان قرن و بعد از ۱۲۵۰ میلادی بود که واژه حمله صلیبی (Cruciata) در فرهنگ و ادب غربی کاربرد داشت. (نک: *الحملات الصلیبیه والشرق اللاتینی*، ص ۹).

۲. Bernard Lewis.

۳. این کتاب با نام *تاریخ الفرنجة غزاة بیت المقدس* به عربی برگردانده شده است.

آنها آمده و تقاضای همکاری و همراهی داشته‌اند.^۱ همین تاریخ‌نگار در جای دیگر، از سفارت دوم دولت فاطمی مصر در منطقه عرقه و در تاریخ بیستم جمادی الاول ۴۹۲ هـ / دهم آوریل ۱۰۹۹ به نزد صلیبی‌ها - با همان هدف نخستین - سخن گفته است.^۲

ویلیام تیری^۳ از مسیحیان ساکن فلسطین که در دربار آموری (عموری)^۴ پادشاه صلیبی بیت المقدس بود در تاریخش به نام A History of deeds done Beyond of the sea^۵ همین نظر را عیناً نقل می‌کند؛^۶ در حالی است که تقاضای همکاری دولت فاطمی مصر با صلیبی‌ها که به تعبیر تاریخ‌نگار مسلمان، ابن اثیر جزری، به امضای پیمان انجامید،^۷ در هیچ یک از منابع لاتینی و صلیبی معاصر از جمله فوجیه چارتری از حاضران در مجمع کلرمون^۸ فرانسه، جایی که پاپ اوربان دوم نطق آتشین خود را در تحریک مسیحیان صلیبی قرائت کرد و از شاهدان جنگ اول صلیبی، اشاره نشده است.^۹ تاریخ‌نگار اروپایی معاصر مانند رنه گروسه، رانسیمان و گیپ، هم‌چون تاریخ‌نگاران صلیبی در دام این اتهام افتاده و آن را بر قلم جاری کرده‌اند؛^{۱۰} در

۱. همان، ص ۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۸۷.

3. William of Tyre.

4. Amalric I.

۵. این کتاب را دکتر سهیل زگار با نام تاریخ الحروب الصلیبیه الاعمال المنجزه فیما وراء البحار به عربی برگردانده است.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸ و ۳۲۰.

۷. الکامل فی تاریخ، ج ۶، ص ۳۷۷. ابن اثیر که نگرش ضد فاطمی او باعث شده تا تاریخ‌نگاران بعدی مسلمان با برداشت از او که یک قرن پس از واقعه، تاریخش را نوشته، همکاری فاطمیان با صلیبی‌ها را قطعی تلقی کنند، خودش در آغاز گزارش، با کلمه «قیل» شروع می‌کند و در پایان با عبارت «الله اعلم» بر تردید خود تأکید می‌نماید. از این پیمان نامه در منابع اسلامی معاصر جنگ هم سخنی به میان نیامده است.

8. Cleromnt.

۹. کتاب او که Herusalem Peregrinantiam Gesta Francorum نام دارد، با عنوان تاریخ الحملة الی القدس ترجمه شده است.

۱۰. تاریخ جنگ‌های صلیبی، ص ۳۴. تاریخ جنگ‌های صلیبی، ج ۱، ص ۳۰۳.

حالی که فاطمیان اسماعیلی مذهب جز مقاومت در برابر صلیبی‌ها نقشی برای خود قایل نشدند.

پس از محاصره بیت‌المقدس توسط صلیبی‌ها، افتخارالدوله حاکم فاطمی شهر، سیاست خود را تقویت کرد و دستور داد به منظور تشدید فشار علیه صلیبی‌ها، آب چاه‌ها و چشمه‌ها را سم‌آلود کنند و به قول ویلیام صوری، این سیاست به منزله ایجاد مانع بزرگی در مقابل صلیبی‌ها بود.^۱

محاصره صلیبی‌ها و مقاومت مسلمانان در درون شهر، روزبه‌روز تشدید می‌شد. در این هنگام، تعدادی کشتی جنگی از «ژنوا» به فرمان‌دهی دو برادر ماجراجو به نام‌های «ویلیام امیرچو»^۲ و «پریموس امیریاچو»^۳ به بندر «یافا» رسید و آن‌جا را اشغال کرد^۴ و در مقابل، در تاریخ شعبان ۴۹۲ قمری / ۱۰۹۹ میلادی افضل‌بن‌بدر جمالی با سپاهی بزرگ از مصر بیرون آمد تا محاصره قدس را بشکند؛^۵ به قول ابن‌قلانسی: «وانتهت اليهم خروج الافضل من مصر في العساكر الدثرة لجهادهم»^۶. افضل که با سپاه مجهز فاطمی در عسقلان خیمه زد،^۷ با حمله سپاه صلیبی در سه گروه متشکل و مستقل در نوزدهم رمضان ۴۹۲ قمری / دوازدهم اگوست ۱۰۹۹ میلادی منهزم شد^۸ و پس از این شکست به مصر بازگشت.^۹

فاطمیان از همان سال‌های اولیه تا بیش از نیم قرن بعد، یعنی سال ۵۴۸ قمری / ۱۱۵۳ میلادی که عسقلان آخرین پایگاه خود را در برابر صلیبی‌ها از دست

۱. تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۱، ص ۴۱۵-۴۲۰.

۲. William Embriaco.

۳. Primus Embriaco.

۴. صلاح الدین محمد نوار، العدوان الصلیبی علی العالم الاسلامی، ص ۱۱۲.

۵. انعاظ الحنفاء، ج ۳، ص ۲۳.

۶. ذیل تاریخ دمشق، ص ۱۳۶. البته سپاه مصر بیست روز بعد از سقوط بیت المقدس رسید و مجبور شد در عسقلان بماند.

۷. نزهة المقلتين فی اخبار الدولتين، ص ۳؛ خطط مقریزی، ج ۱، ص ۴۴۳، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۱۴۵؛ ویلیام صوری، تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۱، ص ۴۷۵.

۸. الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۴۷۰؛ اخبار مصر، ص ۳۹؛ نزهة المقلتين، ص ۳.

۹. اخبار مصر، ص ۳۹؛ ذیل تاریخ دمشق، ص ۱۳۷؛ تاریخ الحملة الی القدس، ص ۷۸.

دادند،^۱ یک‌سره در برابر آنها مقاومت و جهاد می‌کردند. البته آن دسته از اسماعیلیان منشعب شده از دولت فاطمی مصر که به نزاریان شهره‌اند، در سرزمین پهن‌اور شامات و در برابر صلیبی‌ها موضعی دوگانه داشتند؛ گاهی هم‌راه آنها زمینه ساز تضعیف جناح دولت‌های مسلمان در منطقه شده و گاهی هم با تمام توان علیه صلیب‌ها می‌جنگیدند. بنابراین در مورد نزاریان شام هم نمی‌توان هم‌چون ابن تیمیه نظر کلی داد و چنین گفت: «برما آشکار شده که نوار ساحلی شام را مسیحیان با کمک آنها تصرف کردند؛ زیرا آنها همیشه جانب دشمنان اسلام را می‌گرفتند.»^۲ دو نمودار ذیل بخشی از مناسبات اسماعیلیان نزاری شام را با دیگر امیران و دولت‌های مسلمان و نیز صلیبی‌ها نشان می‌دهد.

جدول مناسبات نزاریان و مسلمانان

موضوع	علت	توضیح (نتیجه)
قتل جناح‌الدوله حاکم حمص به‌دست نزاریان	تقاضای رضوان‌بن‌تنش حاکم سلجوقی حلب از آنها	جناح‌الدوله به ضدیت با صلیبی‌ها مشهور بود.
قتل خلف‌بن‌ملاعب صاحب قلعه افامیا	نیاز نزاریان به استحکامات مهم مانند افامیا	بعد از مدت کوتاهی صلیبی‌ها آن را اشغال کردند.
قتل مودود اتابک موصل	وفاداری مودود به سلاجقه و دشمنی او با نزاریان	خرسندی صلیبی‌ها از این قتل
قتل رهبران نزاریان به‌دست آل‌ب ارسلان فرزند رضوان	دشمنی آل‌ب ارسلان با آنها (برخلاف پدرش رضوان که رابطه خوبی داشت)	پس از واقعه، نزاریان به خارج از حلب مهاجرت کردند
قتل احمد یل فرمان‌روای کرد مراغه	هم‌راهی او با سلاجقه علیه نزاریان	
قتل ابن‌بدیع رئیس شهر حلب	اوعامل کشتار نزاریان در سال ۵۰۷ قمری بود.	

۱. کنز الدرر جامع الغرر، ج ۶، ص ۵۶۲؛ البستان الجامع، ص ۱۳۰؛ ویلیام صوری، تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۲، ص ۸۱۳.
 ۲. رسائل ابن تیمیه (رسالة فی الرد علی النصیریة)، ص ۹۷.

تسلط نزاریان بر قلعه بانپاس	تقدیر طغتكین حاکم دمشق به علت حمایت آنها از او علیه صلیبی‌ها	
ترور تاج‌الملوک بوری فرزند طغتكین به دست نزاریان	خصومت شدید با نزاریان	
قتل آق سنقر برسقی حاکم موصل	دشمنی او با نزاریان	قتل او در جامع موصل صورت گرفت
ترور صلاح‌الدین در ۵۷۰ قمری.		سرانجام صلاح‌الدین با آنها مصالحه کرد
ترور صلاح‌الدین در ۵۷۱ قمری.		سرانجام صلاح‌الدین با آنها مصالحه کرد
ترور وزیر اتابکان زنگی در حلب		
حمله اتابکان به نزاریان	روستای حجیره نزدیک حلب پایگاه مهم نزاریان بود.	
محاصره مصیاف پایگاه اسماعیلیان به دست صلاح‌الدین	سوق‌الجیشی بودن مصیاف	بازگشت بی‌نتیجه صلاح‌الدین
هم‌راهی نزاریان و ایوبیان در قلعه خوابی	محاصره قلعه به دست صلیبی‌ها	پیروز نشدن صلیبی‌ها
تقویت روابط نزاری-مملوکی در عصر بیبرس	قدرت ممالیک و خواست نزاریان از این روابط	
ارسال خراج نزاری به دولت مملوکی	قدرت ممالیک	
توطئه هم‌دستی نزاریان با صلیبی‌ها علیه ممالیک		محاصره قلعه حصن‌الاکراد به دست ممالیک
آزاد سازی قلاع نزاریان توسط ممالیک		پایان قدرت نزاریان در شام در ۶۷۱ قمری
حمله صلیبی‌ها به دمشق حمایت نزاریان	اهمیت بانپاس در نزدیکی دمشق برای صلیبی‌ها	
آزاد سازی حصن‌الخریبه از دست صلیبی‌ها	اهمیت منطقه	
فتح قلعه مصیاف توسط نزاریان	اهمیت قلعه	بزرگ‌ترین پایگاه نزاری این قلعه بود.

هم‌راهی نزاریان با صلیبی‌ها علیه نورالدین محمود زنگی	تسلط بر منطقه سوق الجیشی آنب	شکست جبهه صلیبی - نزاری
ترور حاکم صلیبی طرابلس		
جنگ با صلیبی‌ها در ۵۴۶ قمری	تسلط بر قلعه مینقه	
جنگ با صلیبی‌ها در ۵۵۲ قمری	تسلط بر قلعه حصن الشرقی	
جنگ با صلیبی‌ها در ۵۵۹ قمری	حمایت از قلعه شیزر	
ترور پادشاه صلیبی اورشلیم		
معاهدات دوستی سنان رهبر نزاریان با پادشاه بیت المقدس		
ترور ریمون پسر حاکم انطاکیه		این ترور در شهر صور صورت گرفت
محاصره قلعه خوابی پایگاه نزاریان به دست صلیبی‌ها		
باج دهی نزاریان به شهبسواران مهمان نواز	قدرت فوق‌العاده شهبسواران	
لغو باج‌دهی مذکور توسط لویی نهم پادشاه فرانسه	هدف لویی نهم تحکیم روابط با نزاریان برای حمله به مصر بود	ایوبیان هم‌راه نزاریان شدند.
قتل فلیپ مونته‌فورتی از نجبای صلیبی به دست نزاریان در صور	سپاس‌گزاری پادشاه مملوکی از این اقدام	
هم‌دستی نزاریان با بوهیموند صاحب طرابلس	تشکیل جبهه ضد مملوکی	پس از این واقعه ممالیک بر نزاریان سخت گرفتند.

این مناسبات دوگانه، نگاه تاریخ‌نگاران صلیبی و مسیحی و نیز نگرش تاریخ‌نگاران مسلمان به اسماعیلیان به‌ویژه شاخه نزاری آن را در تاریخ شکل داده است.

ریموند آگیل، تاریخ‌نگار جنگ اول، به آنها اتهام پرستش علی علیه السلام را زده^۱ و پاپ گریگوری نهم^۲ در نامه خود به اسقفان صور، صیدا و بیروت که بر لزوم قطع رابطه شهبسواران با نزاریان شام تأکید دارد، آنها را ضد خدا و مسیحیان

۱. تاریخ الفرنجة غزاة بیت المقدس، ص ۱۸۸.

2. Gregory IX

دانسته است.^۱ ژوئنویل،^۲ سفرنامه‌نویس لویی نهم^۳ پادشاه فرانسه، تحت تأثیر راهبی شرقی به نام ایوبرتونی^۴ که آشنا به زبان عربی بوده و از نزدیک نزاریان را دیده، می‌نویسد:

لا یعتقد البدو بمحمد ولكنهم یعلمون شریعه علی ابن عمه و بهذا أيضاً
یؤمن شیخ الجبل زعیم طائفه الحشاشین، و عقیدتهم أن الشخص إذ
مات فی سبیل سیده أو لأی سبب کریم آخر حلت روحه فی جسد
شخص آخر و هی أكثر راحه و اطمئناً، و هذا هو السبب الذی من
أجله لا یعبأ الحشاشون بموتهم إذا لاقوا مصرعهم حین ینفذون أوامر
شیخ الجبل^۵

او در همین گزارش آنها را بی‌دین و کافر قلمداد می‌کند.
بنیامین تودلایی^۶ خاخام یهودی اسپانیایی که در فاصله ۱۱۶۶-۱۱۷۱ میلادی/
۵۶۲-۵۶۷ قمری در شامات بوده و به گفته پژوهش‌گر معاصر ایرانی به
احتمال زیاد نخستین اروپایی است که درباره نزاریان مطلب نوشته^۷
در سفرنامه‌اش از آنها با تعبیر «حشیشین»، فرقه‌ای از زندیق‌ها، یاد کرده است.^۸
این واژه و تعبیر که به قول ویلیام صوری مسیحیان و مسلمانان نمی‌دانند
از کجا سرچشمه می‌گیرد،^۹ نکته اصلی ارزیابی صلیبی‌ها و مسیحیان از نزاریان
است. ویلیام حتی رهبری نزاریان شام در آن زمان یعنی راشدالدین سنان
را مسیحی شده می‌پندارد.^{۱۰} بورخارد اشتراشبورگی،^{۱۱} فرستاده فردریک

۱. افسانه‌های حشاشین، ص ۱۳۳.

2. Jean de doinville

3. Louis IX

4. Yves le Berton

۵. القديس لویس حیات و حملات، ص ۱۲۵.

6. Benjaminof Tudela

۷. فرهاد دفتری، افسانه‌های حشاشین، ص ۱۲۱.

۸. رحلة بنیامین التطیلی، ترجمه عزرا حداد، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۹. تاریخ الحروب الصلیبیه، ج ۲، ص ۹۶۶.

۱۰. همان، ص ۹۶۶-۹۶۷.

11. Burchard

بارباروس^۱ به نزد صلاح‌الدین ایوبی که در سال ۵۷۱ قمری / ۱۱۷۵ میلادی به شام آمده، آنها را این گونه توصیف می‌کند:

در اطراف کوهستان‌های دمشق، انطاکیه و حلب، نژادی از مسلمانان زندگی می‌کنند که در زبان خودشان «هیسین» و به زبان لاتینی «سنیور دومونتانا» به معنای رؤسای کوهستان نامیده می‌شوند. این مردمان، زندگی بدون قانون دارند، گوشت خوک می‌خورند که خلاف دستور دین اسلام است، با کلیه زنان نزدیکی می‌کنند حتی با مادران و خواهران خویش؛ آنان در کوه‌هایی حصین و نسبتاً غیرقابل دست‌رس زندگی می‌کنند؛ قلاع مستحکم و نفوذناپذیر آنان غیرقابل تصرف است. از آن رو که زمین هایشان چندان حاصل خیز نیست، از طریق نگهداری احشام امرار معاش می‌کنند. کلیه شاهزاده‌ها و حکام و امرای مسلمان منطقه، چه نزدیک و چه دور و نیز کلیه امیران مسیحی نواحی اطراف این کوهستان‌ها به شدت مرعوب رئیس این قوماند و در نهایت ترس و اضطراب از او به‌سر می‌برند؛ زیرا وی قدرت کشتن آنها را به طرق عجیب و غریبی داراست.^۲

یعقوب ویتری^۳ اسقف عکا و تبلیغ‌کننده مسیحیت در شرق مدیترانه، نزاریان را اعیان یهودیان دانسته^۴ و در مورد واژه کلیدی حشاشین، براین نظر است که این‌ها از همان اسینین (Essences) هستند که در قرن دوم قبل از میلاد در فلسطین ظاهر شدند. او معتقد است حشاشین با بکارگیری حروف عبری و کلدانی به شکل رموز، مقاصد خود را بیان می‌کنند.^۵

بی‌شک اسماعیلیان نزاری شام که مورد نظر صلیبی‌ها در شام قرار گرفتند، با توجه به رفتار سیاسی و نظامی خاصشان، به شکل جریان تندرو که همانند فرقه‌های تند اروپایی و فراماسون‌ها که قتل شاهان را توصیه می‌کردند، ارزیابی شده و این نگاه به فرقه اسماعیلیه و حتی شیعه تعمیم داده شد. هامر پورگشتال^۶

1. Frederick I Barbarossa.

۲. حشاشین، فرقه‌ای تندرو در اسلام، ص ۱۴-۱۳.

3. James of vitry.

۴. تاریخ بیت المقدس، ترجمه سعید بیشاوی، ص ۱۲۸.

۵. همان، ص ۱۲۹.

6. Joseph von Hammer – Purgstall.

در میان خاورشناسان معاصر اروپایی، بیش از همه از این برداشت تأثیر پذیرفته و نوشته او در مورد اسماعیلیان نزاری و به تعبیر او حشاشین ۱۵۰ سال مرجع اروپاییان قرار گرفته است.^۱

به نظر می‌رسد برنارد لویس در میان خاورشناسان معاصر، بیش از هر شرق‌شناس دیگر، تحت تأثیر نگرش تاریخی به اسماعیلیان نزاری، نگاه خود به اسلام و مسلمانان را شکل داده و با نوشتن کتاب "The Assassin: A Radical Sect in Islam" که از نخستین آثار مهم اوست، آدم‌کشی و شاه‌کشی در تاریخ اسلام را امری متداول دانسته^۲ و اعتقاد دارد، اسلام اساساً دینی با صبغه نظامی و جهادی‌ست. او باور دارد که از منظر فقهی و حقوقی جهان اسلام به دو بخش تقسیم می‌شود: «دارالاسلام» جایی که مسلمانان بر آن حاکماند و قانون اسلام حکم‌فرماست؛ و «دارالحرب» که بقیه جهان را در برمی‌گیرد. میان این دو بخش، تا هنگام پیروزی نهایی و حتمی اسلام بر کفر، الزام اخلاقی و تکلیف شرعی و دینی برای وضعیت جنگ وجود دارد.^۳

در موضع دیگری هم تأکید کرده که تصور می‌شود که اسلام از همان آغاز، دینی جنگ‌طلب و در واقع دینی نظامی بوده و پیروان آن جنگ‌جویانی متعصبانند که با تکیه بر نیروی نظامی، درصدد ترویج آیین و شریعت خویش هستند.^۴

به گفته ادوارد سعید، او سعی دارد اسلام را یک ایدئولوژی ضد سامی و زبان عربی را یک ایدئولوژی خطرناک معرفی کند.^۵ در آثار جدیدتر و متأخر خود این نکته را بیان می‌کند که هدف اصلی فاتحان اسلام بر تحمیل قهرآمیز دین

۱. حشاشین فرقه‌ای تندرو در اسلام، ص ۲۸-۲۹. البته لویس معتقد است، حکم دادگاه هند بریتانیا در ۱۸۶۶ که مشروعیت تاریخی خوجه‌ها را متصل به نزاریان و سپس ائمه شیعی تأیید کرد، این نگاه تاریخی را اصلاح نمود. (همان، ص ۳۴-۳۶).

۲. نک: فدائیان اسماعیلی، فصل ششم.

۳. زبان سیاسی اسلام، ص ۱۴۲.

۴. همان، ص ۱۳۹.

۵. شرق‌شناسی، ص ۶۶ و ۵۷۱.

اسلام نبوده،^۱ اما در همین آثار و تألیفات جدید خود، القا می کند که دو جریان متوازی «تسخیر» و «مستعمره سازی» گسترش اسلام را امکان پذیر ساخت. به عبارت دیگر، تحول بزرگ (پیش رفت اسلام) عمدتاً در فرآیند موازی «استعمار» و «هم سان سازی» تحقق پذیرفت.^۲

بی شک برنارد لوئیس با همان برداشت مصداقی از تاریخ - عمل کرد اسماعیلیان نزاری - و فتوح اولیه مسلمانان در صدر اسلام، به این باور رسید که اسلام همیشه تهدید جدی غرب و میراث یهودی - مسیحی است.^۳ با استناد به آیاتی از قرآن مانند سوره های اسراء، آیه ۱۱، نساء، آیه ۱۷۱، آل عمران، آیه ۱۷-۱۸ و نیز سوره توحید، به این باور رسید که تهدید مسیحیان و یهودیان از سوی اسلام جاودانه است.^۴

وی حتی تسامح و تساهل اسلام و مسلمانان در برابر پیروان فرقه های دیگر را انکار می کند. وقتی که در سال ۱۵۲۳ یهودیان اسپانیا و پرتغال به دستور حاکمان مسیحی اخراج شدند، تاریخ نگاری یهودی وقایع آن دوران را این گونه شرح می دهد:

وقتی سلطان بایزید، پادشاه ترکیه، از بلایایی که پادشاه اسپانیا به سر یهودیان آورد بود، مطلع شد و شنید که آنها به دنبال پناهگاهی می گردند، به حال آنها رحم آورد. از این رو، به وسیله قاصدان به تمام نقاط قلمرو خود به موجب بیانیه ای کتبی دستور داد که هیچ یک از حکام شهرها اجازه ندارند که از پذیرفتن یهودیان سرباز زنند یا آنها را اخراج کنند، بلکه باید از آنها استقبال کنند. از این رو، کلیه مردم در تمام نقاط مملکت از یهودیان استقبال کرده، شب و روز از آنها حمایت کردند؛ هیچ گونه بدرفتاری با آنها نشد یا صدمه ای به آنان وارد نیامد. هزاران هزار نفر از کسانی که از اسپانیا بیرون رانده شده بودند، به ترکیه آمدند و مملکت مملو از یهودیان شد. پس از آن

۱. خاورمیانه، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۶۴.

3. Islam and the west, p:13. the root of the muslim rage, p:90.

۴. خاور میانه، ص ۷۴۰۷۵.

اقلیت‌های یهودی مقیم ترکیه به کارهای خیریه بی‌شماری دست زدند؛ برای آزاد کردن زندانیان مثل ریگ پول خرج می‌کردند.^۱

لوئیس سخن این تاریخ‌نگاران یهودی را نپذیرفته و آن را افسانه‌ای بیش نمی‌داند؛^۲ زیرا همان طور که اشاره شد، او میان اسلام و عطوفت و اسلام و تسامح ارتباطی قایل نیست.

آن‌چه تبیین شد چکیده تأثیر نوشته‌ها و آموزه‌های تاریخی مورخان صلیبی پیشین بر نگرش‌های تاریخی خاورشناسان جدید از جمله برنارد لوئیس بود. روند و پیوستگی این نگرش، برتری ذاتی غرب را تثبیت می‌کرد؛ غربی که از نظر لوئیس مجموعه‌ای از ملت‌های هم فکر بودند که به ارزش‌های بنیادین مانند آزادی، حقوق بشر و ضوابط اخلاقی اعتقاد دارند.^۳ غرب منسجم و اصیل برتری ذاتی بر شرق و اسلام دارد^۴ و مسلمانان چون ضعیف، فقیر و ناآگاهند، باید از همین غرب تبعیت کنند^۵ و راه نجاتشان در آشتی با غرب است^۶ وگرنه چنان‌چه عیب‌جویی و بهانه‌جویی خود از غرب (اروپا و امریکا) را ادامه دهند، محکومیت آنها جبری و قطعی است و این همان دکترین برخورد تمدن‌ها به شمار می‌آید.

۱. برخورد فرهنگ‌ها، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۸۵-۸۸.

۴. همان، ص ۷۰-۷۳ و ۸۳-۸۴.

۵. اسلام و غرب، ص ۱۰، ۱۹، ۲۲-۲۳.

۶. شرق‌شناسی، ص ۵۷۴ نقل از خاورمیانه برنارد لوئیس.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین محمد: *الکامل فی التاریخ*، تحقیق علی شیری، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن ایبک دواداری، ابی بکر: *کنز الدرر و جامع الغرر* (ج ۶)، تحقیق صلاح الدین المنجد، قاهره، ۱۳۸۰ ق.
۳. ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف: *النجوم الزاهرة فی ملوک القاهرة*، قاهره، ۱۳۷۵ ش.
۴. ابن طویر قیسرانی: *نزہة المقلتین فی اخبار الدولتین*، تحقیق الیمن فواد السید، اشتوتگارت، ۱۹۹۲ م.
۵. ابن قلانسی، ابویعلی: *ذیل تاریخ دمشق*، تحقیق سهیل زگار، دمشق.
۶. ابن میسر، محمد بن علی: *اخبار مصر*، تحقیق الیمن فواد السید، قاهره، ۱۹۸۱ م.
۷. ابوشامه: *الروضتین فی اخبار الدولتین*، بیروت (دار الجیل)، بی تا.
۸. اگیل، ریموند: *تاریخ الفرنجة غزاة بیت المقدس*، ترجمه حسین محمد عطیة، اسکندریه، ۱۹۹۰ م.
۹. بالار، میشل: *الحملات الصلیبیه والشرق اللاتینی من القرن الحادی عشر الی القرن الرابع عشر*، ترجمه بشیر السباعی، قاهره، ۲۰۰۳ م.
۱۰. تطیلی: بنیامین، *رحلة*، ترجمه عزرا حداد، ابو ظبی، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. چارتر، فوجیه: *تاریخ الحملة الی القدس*، ترجمه زیاد العسلی، الاردن، ۱۹۹۰ م.
۱۲. دفتری، فرهاد: *افسانه ای حشاشین*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. رانسیمان، استیفن: *تاریخ جنگ های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، چ ۵، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. ژوئنویل: *القدیس لويس حیاتہ و حملاتہ علی مصر والشام*، ترجمه حسن حبشی، قاهره، ۱۹۶۸ م.

۱۵. سعید، ادوارد، *شرق شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ ۴، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۶. صوری، ویلیام: *تاریخ الحروب الصلیبیه*، ترجمه سهیل زگار، دمشق، ۱۴۱۰ق.
۱۷. گروسه، رنه: *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه ولی الله شادان، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۸. لوئیس، برنارد، *برخورد فرهنگ‌ها*، ترجمه بهمن دخت اویسی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۹. لوئیس، برنارد: *حشاشین فرقه‌ای تندرو در اسلام*، ترجمه حسن خاکباز محسنی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۰. _____: *خاورمیانه*، ترجمه حسن کامشاد، تهران، ۱۳۸۱ش.
۲۱. _____: *زبان سیاسی اسلام*، ترجمه غلامرضا بهروز لک، قم، ۱۳۷۸ش.
۲۲. _____: *فداییان اسماعیلی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۱ش.
۲۳. مقریزی، تقی‌الدین، *اتعاظ الحنفاء باخبار الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق جمال الدین الشیال، قاهره، ۱۳۷۸ق.
۲۴. -----، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار* معروف به *خطط بیروت*، (دارصادر)، بی‌تا.
۲۵. مهاجرانی، عطاء الله، *اسلام و غرب*، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۶. نوار، صلاح‌الدین، *العدوان الصلیبی علی العالم الاسلامی*، اسکندریه، بی‌تا، (دارالدعوه).
۲۷. ویتری، یعقوب: *تاریخ بیت المقدس*، ترجمه سعید البیضاوی، الاردن، ۱۹۹۸م.